

LIMITED OFFICIAL USE

123

DRA Diplomatic Note No. 971 Submitted to the U. S.
Embassy Kabul on February 27, 1979.

(R)

Ministry of Foreign Affairs
No. 971
February 27, 1979

TO:
Embassy of the United States of America
Kabul

NOTE

Ministry of Foreign Affairs of DRA with compliments to the Embassy of the United States of America in Kabul and with Ref. to the Note No. 33 dated Feb. 18, 1979 of that Embassy states that:

Enclosed is the report of the concerned security authorities of DRA about the kidnapping and assassination of H. E. Adolph Dubs, the late U. S. Ambassador in Kabul by armed terrorists. A combined photograph of the terrorists is also attached.

Ministry of Foreign Affairs of DRA takes this opportunity of extending its highest esteems.

DEPARTMENT OF STATE A/CDC/MR	
REVIEWED BY <i>MA Capra</i>	DATE <i>3-13-87</i>
EDUCATION READINGS. DATE	
STATION(S)	
RECEIVED BY ☐	
RECEIVED BY ☒	
RECEIVED BY ☐	
RECEIVED BY ☐	

LIMITED OFFICIAL USE

((محض ر))

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

تام ساعت (۸۴۵) مورخه ۱۳۰۷۱۱۲۵ محمد یونس آمرهوتل کابل بمن
قوماندان بخارندوی کابل تیلفونی اطلاع داد که چهار نفر مسلح که سفیر امریکا
نیز همراه شان است وارد هوتل و مراد ریمه اسلحه دست داشته شان تهدید
که یک اساق باکلید آن در اختیارشان گذاشته شود .
در تحت این تهدید مسلحانه، نفر موظف هوتل را با خود گرفت و اینک موضوع
گذارش داده شد .

بمجرد شنیدن این راپور فوراً داخل اقدام و بعد پنج دقیقه یعنی (۸۵۰) -
الخلاف هوتل کابل توسط قوای بخارندوی کابل به محاصره در آورده شد
همنان از اینکه وضع نامعلوم بود به تمام قوای بخارندوی و مخصوصاً ترافیک
شوارع الخرافی راه مرکز تحت کنترل گرفته در شهر تمام موترها تفتیش شود تا اگر
تروریست - شوریکه گذارتر داده شد در هوتل کابل نباشند در صورت فرار دستگیر
گردند .

لیعلم جریان بآمرین محترم در ثانیه تیلفونی عرض و از قضیه مطلع شدند .
اینجانب قوماندان بخارندوی کابل با موعفین امنیتی خویش توسط و نفر موعفین هوتل
به نام های محمد احسان و قجیر نادان به اتاقیکه سفیر امریکا را گروه مسلح در اختیار
داشت در همانی که اتاق مطلوب اتاق شماره (۱۱۷) بود .
برای ایقان از وجود سفیر و تروریست از عقب دروازه اتاق مفاهمه و بعد صحت موجودیت
شان در خصوص این انگیزه استفسار بعد آمد تو بیج داشتند که خود را معرفی
تا بعداً توضیح داده شود شخص قوماندان صاحب بخارندوی کابل سمت خود را معرفی
بدیناسخ گفتند که هرگز انگیزه این اقدام خود را نخواهیم گفت تا اینکه شرط اولی
ماتبع نکرد و شرط اولی خود را رهایی بهرالدین باهت از محبس مطرح و علاوه نمودند
که نور مسلحانه تسلیم داده شود و برای انجام این شرط مدت نیم ساعت یعنی
از ساعت (۹ - الی ۹:۳۰) تمدید شد .

یا انقضای این مدت مجدداً خواستار تمدید وقت کرده شد که نیم ساعت
از ساعت (۹:۳۰) الی (۱۰) داده شد .

و تا غای وقت مذکور بخارندوی بود که شخص مطلوب شان بدسترس و موجود نبود
و قبلاً تداوی از شفاخانه فرار و تاحال متواری است که اجرای آن روی جریان فوق
مستحیل و افشاء آن نیز بزعیم اینکه طرف ایقان شان اگر واقع نشود سبب از بین رفتن
سفیر گردد و فرصتی برای نجات سفیر میسر و جاره این امر سنجیده شود .

نتیجده بیوترافی باهت :-

=====

بهرالدین باهت قبلاً در اثر حرکات ماجراجویانه و افراغی خود در زمان سلطنت ظاهر
محبوس بود بالاخره در کودتای (۲۶) سرخان از حبس رها گردید باز هم نامبرده از حرکات

خدمت بشری خود صرفه‌نشان کرده به ماجراجوی افراطی خود دوام داد که در سال (۱۳۰۳) جانب دروازه‌خشان رفت و در آنجا به همکاری گروپ خود بالای ولسوالی حمله ور شدند که بابت نتیجه تعداد زیادی از جوانان آن دیار قربان این عمل دسته فوق شدند.

قوای امنیتی وقت نتوانست باعث همکاری‌اش را دستگیر نمایند که در جریان تحقیق بجرم خود اعتراف نموده و با الحاکمه به حبس دوام محکوم گردیدند. بهرالدین باعث با استفاده از حیلۀ مریضی در همان وقت (زمان داود شاهی) توانست خود را بستر نماید تا اینکه با استفاده از همان تکنیک میخواست از شفاخانه راه فرار را دریغ گیرد اما قوای امنیتی در ساحه عدم متری قسمت خارجی شفاخانه وی را دستگیر نمود نامبرده باردیگری به محبس انتقال داده شد لا جرم دولت خلق مصمم گردید که این حربه شناخته شده و غیر قابل اصلاح نبایدها گردد.

باعث دربر- اسد سال (۱۳۰۷) با استفاده از تمارغ توانست باردیگری خود را در شفاخانه بستری نماید که این بار از طرف چهار نفر قوای مسلح بداخل شفاخانه پاسداری میشد اما بساعت توسط وابسته گان اثر با استفاده از فیرهای متعدد بالای محافظین وی باردیگر نجات یافته و فرار داده شد که در نتیجه اثر یکی از محافظین نیز مجروح گردید باعث تاکنون از همان تاریخ در اختفا بسر میبرد.

با استفاده از همین فرصت با سفارت امریکا داخل تماس شده تا نمایندۀ خود را بفرستد که ترجمانی مقاصد مارا به شخص سفیر بنماید بالا تر نمایندۀ سفارت حاضر در آنانده شد تا به سفیره لسان العالی بفهماند که خود را به معذرت تشناب از تروریست کناره سازد و اگر این جنم ممکن نشود خود را به ضعف انداخته نقش روی اتاق گردد.

همان بود که نمایندۀ سفارت به مدخل اتاق حاضر و بالای سفیر صدم نمود که سفیر جواب داد و بلا درنگ سرگروه تروریست توضیح داشت که من احمق نبوده تا به سفیر اجازه دهم از شیادی که موجود خواهد بود استفاده نماید و روی این مداخله مقاصد منعکس شده نتوانست و مکرراً تهدید نمود که اگر رموعده محدود از روی ما برآورده نشود سفیر جان خود را از دست خواهد داد. با سبوری شدن وقت خواهش به عمل آمد که روی مشکلات عاییده وقت را باز هم تمدید نماید که نیم ساعت وقت یعنی از ساعت (۱۰ - الی ۱۰ ۱/۲) تمدید شد.

و این مدت وقت کماکان برای یافتن راحل (راه نجات) جلا لتعاب سفیر (ولی بشاه و برای وصول نفر مطلوب شان تبارز داده شد.

با استفاده از همین فرصت وسایل انگاشته حاضر و موظفین امنی گماشته شدند تا در میان وسایل خود از راه عقب کلکین صعود و در صورت امکان تروریست ها را معدوم سازند و در ضمن کنترل کلکین را بخاطر جلوگیری از هر نوع اعمال شوم شان با وسایل دست داشته اقدامات مؤثری را به مقصد نجات جلا لتعاب صورت بگیری.

بار دیگر خواهش تمدید وقت کرده شد که بعد اصرار زیاد از ساعت (۱۰ ۱/۲ - الی ۱۱) قبل از ظهر وقت داده شد درین فرصت حوالب مختلفه این عملیات با در نظر داشت وضع خشونت امیز تروریست ها ملاحظه

[illegible]

(٤)

(١) يک ميل ماشينداري سه. (CMH) بدون مارک.

(٢) يک عدد بيم دستي (No. 36M)

(٣) يک ميل تفنگچه موشکزنمره (777 272 STAR) — باده پوچک

(٤) يک ميل تفنگچه (CAL 765 ١٧٨) با (٦) عدد پوچک

مطابق اظهارات موترران جلالتماب سفیر ایالات متحده امریکا مقیم کابل
 موتر مذکور مقابل مرکز فرهنگی امریکا در تراز چاراهی طره بازخان از طرف
 یک ساختمان ترافیک متوقف شد و قتیکه شیشه موترپائین نمود گفت که موتر
 شما تحت اشتباه است تلاشی می کنیم به مجردیکه دروازه را باز نمودم ترافیک
 موصوف تفنگچه را بر سینه ام مانده گفت شورنخوری در همین لحظه سه نفر دیگر
 مسلح نیز پیدا شده در حالیکه ترافیک باز و نفر دیگر به سوی سفیر و یکنفر به سوی
 من راننده نشکته تفنگچه را بر سینه من و سفیر مانده گفتند به هتل کابل به سرعت
 تام بدون توقف در چاراهی ها بروی. در عرض راه گفتند که ماسفیر را گروگان گرفتیم
 به مجرد رسیدن به دروازه هتل هرجا نفر با سفیر از موترپائین شده باز برایم
 تکرار کرد که سفیر را گروگان گرفتیم خودت برو به سفارت اطلاع بد هیــــــــــــــ
 سفیر برای شان گفت که سلاح های تان از پهلوئ من بردارید هرجا که میخواهید
 همراه تان میروم. به مجرد پائین آمدن از موتر گفتند که دروازه موتر را باز کن
 بعداً موترران بیرو را پائین کرده و به سفارت رسید و موضوع را به شخص مسئول
 سفارت در میان گذاشته و از طریق سفارت ترجمان به قوماندانی عمومی بخارندوی
 در مورد ترور سفیر تماس گرفتند شــــــــــــــد.

LIMITED OFFICIAL USE

English Translation of the DRA Report on the Kidnapping
of Ambassador Dubs

At precisely 0845 hours on 14 February 1979, Mohammed Yunis, Manager of the Kabul Hotel, reported by telephone to me, the Chief of the Kabul Police Department, "four armed people," accompanied by the American Ambassador, entered the hotel, threatened me with their weapon, and said that a room with its key should be given to them."

As soon as I heard this report, I took action at once and, five minutes later, i. e., at 0850 hours, Kabul police forces had surrounded the Kabul Hotel. Likewise, since the situation was unclear, the whole police force, and especially the traffic police, was instructed to control the surrounding streets leading to the center of the city and to search all of the automobiles in the city so that, if, as had been reported, the terrorists were not in the Kabul Hotel and were trying to escape, they would be apprehended.

Naturally, I reported the incident to my superiors within seconds by telephone and they were informed about the case.

I, the Chief of the Kabul Police Department, with my own security agents, was led by two hotel officials named Mohammed Ehsan and Qajir Naman to the room where the armed band was holding the American Ambassador. The room in questions was Room 117. In order to verify the presence of the Ambassador and the terrorists, I spoke with them from behind the door and, after ascertaining their presence there, I asked about their motive. They said that they would identify themselves later. It was explained to them that the Chief of the Kabul Police Department, himself, had introduced himself to them. In response, they said, "We will not disclose our motive for this action until our first condition is met," and they stated that their first condition was the release of Bahreddin Ba'es from prison. They added that he should be armed when turned over. They gave 30 minutes time, i. e., from 0900-0930 hours to meet this condition.

When this period of time expired, additional time was requested, and an extension of 30 minutes, from 0930-1000 hours, was given.

The additional time was requested because the person they wanted was not available. Previously, while receiving medical treatment, he had escaped from the hospital and he was still a fugitive. Therefore, considering the

UNCLASSIFIED OFFICIAL USE

English Translation of the DRA Report (Continued)

above facts, meeting that condition was impossible and disclosing that was also impossible because of our certainty that, if this was not disclosed, it would not cause the elimination of the American Ambassador and there might be an opportunity to rescue the Ambassador and to ponder a solution to this problem.

Bahreddin Ba'es previously was imprisoned during the Zaher monarchy for his troublesome and extremist activities. Finally, he was released from prison at the time of the coup d'etat of 17 July. Still, he did not cease his inhumane activities and he continued his extremist trouble-making. In 1353 (21 March 1974-20 March 1975), he went to Darwaz Badakhshan and, there, he and his gang attacked the district. Consequently, a large number of young people of this area became the victims of this action by the above gang.

--The security forces at that time were able to capture Ba'es and his cohorts and, during the interrogation, he confessed to his crime and was sentenced by the court to long-term imprisonment.

--Bahreddin Ba'es, feigning illness, at that same time (the time of the Adud Shahi), had been able to get himself hospitalized and, using the same tactic, he tried to find an escape route from the hospital; but, the security forces captured him 100 meters outside of the hospital. He was transferred to prison again, and the Khalqist government decided that this known incorrigible should not be released.

--During the month of Asad 1356 (22 July - 21 August 1977), feigning illness, Ba'es was able, once again, to get himself hospitalized and, this time, he was guarded by four members of the armed forces inside the hospital. Ba'es, however, by means of his cohorts who fired repeatedly on the guards, once again, was saved and he escaped. As a result of the firing by one of the guards, however, he was also wounded. Ever since, Ba'es has been living in hiding.

This opportunity was used to make contact with the American Embassy so that it might send its representative to interpret our objectives to the Ambassador,

LIMITED OFFICIAL USE

English Translation of the DRA Report (Continued)

himself. Consequently, the Embassy representative was present and he was -? briefed? - so that he might explain to the Ambassador, in the German language, that he should get away from the terrorists on the pretext of going to the bathroom and, if this was impossible he should fall into a faint on the floor of the room.

Just as the Embassy representative, at the door of the room, called to the Ambassador and the Ambassador answered, the leader of the terrorists immediately said, "I am not foolish enough to permit the Ambassador to make use of any imposter who will be present," and because of this intervention, the objectives mentioned were impossible. He repeatedly threatened, "If our demand is not met at the appointed time, the Ambassador will die." Since the time had expired, he was asked to extend the deadline again because of the difficulties encountered and the deadline was extended for 30 more minutes, i. e., from 1000 hours to 1030 hours.

This period of time was -?obtained? - in order to find a solution (a way to rescue H. E. the Ambassador); but, ostensibly, it was for the purpose of getting the person they wanted.

This time was used to get fire-fighting equipment on the scene and the security agents were instructed to climb through the rear window by means of this equipment and, if possible kill the terrorists. Meanwhile they were to keep watch at the window and they were to take effective action with the equipment they had to rescue the Ambassador to prevent any type of evil action by the terrorists.

Once again additional time was requested and, after great insistence, the deadline was extended from 1030 hours to 1100 hours. During this time, various aspects of these operations were studied, taking into consideration the hostile attitude of the terrorists, and an evaluation was made of what necessary measures we would resort to in order to save the life of H. E. the Ambassador. While laying the plan, the time expired and, again, they were asked for an extension of time since the person they wanted was located far away and his arrival would take a while and, although swift action had been taken during the extensions of time given to transfer him, he still had not arrived. Finally, the

LIMITED OFFICIAL USE

English Translation of DRA Report (Continued)

terrorists warned that they were extending the deadline for the last time to 1230 hours. Using this time, a contingency operational plan was drawn up, i. e., the actions the police force would take if the time expired and they resorted to implementing their decision. It was decided that the police forces would be organized into and assigned to two groups, i. e., an operating group inside the hotel and an operations group outside the hotel, so that, using the tactics planned, they might take action against any probable attack of the terrorists against the safety of H. E. the Ambassador. For carrying out this objective, three policemen, dressed in bullet-proof clothing, were stationed at the door of the room where the Ambassador was located. Moreover, a group was stationed behind the hotel to stand guard at the window of the room in question and to watch the situation through the window. Instructions were given to both groups to watch the situation and, when the terrorists attacked the Ambassador, they were to take action in accordance with the plan that had been explained beforehand. Although extremely -?bitter?- minutes were passing and the minutes were being counted in order that the safety of H. E. the Ambassador would not be jeopardized and in the hope that somehow we would be able to put an end to this inhumane action of the terrorists, the minutes swiftly passed. When 1225 approached, they were asked to extend the deadline a few more minutes.

In response, they angrily stated, "We are not children. If our demand is not met within the next ten minutes, first we will kill the Ambassador and then we will kill ourselves and blow up the hotel."

It was explained to them that the failure to meet their demand was not intentional; rather the great distance had been the cause of this delay. But little attention was paid and they insisted that they could not extend the deadline further.

Although during this period of time contacts and requests for an extension of the deadline were made repeatedly, nevertheless, they did not consent and the minutes passed. At the end of the ten minutes, since the terrorists would not agree to extend the deadline, the aforementioned police forces took action to rescue the Ambassador and, at the same time, the sound of firing was heard from inside

LIMITED OFFICIAL USE

English Translation of DRA Report (Continued)

the room. These operations were over in a few minutes; but, unfortunately, when the rescue squad entered the room in question, they encountered H. E. the Ambassador with three bloody bodies and one person firing. The wounded terrorist was taken to the hospital and the doctors tried to treat him in order that the true facts of the -?destruction?- inflicted might be discovered; but, this earnest effort was fruitless and, thus, the last person of this criminal, terrorist band died. Likewise, H. E. the Ambassador died at the moment when, for the sake of reviving him, the guards and Embassy mission were transporting him in the American Embassy's ambulance to their hospital. Thus ended this slaughter.

The following weapons were discovered in the search of the site of the incident:

- 1) One unmarked (CMH) machine gun,
- 2) One hand grenade (No. 36M)
- 3) One -?pistol?- with No. 777272 Star on its -?barrel?- and 10 shells, and
- 4) One pistol, calibre: 7:65 mm, and six shells

According to the statement of the chauffeur of H. E. the United States Ambassador in Kabul: "The aforementioned automobile was stopped by a traffic - ?.....? - opposite the American Cultural Center a little distance from the Tarreh Bazkhan intersection. When I rolled down the window of the automobile, he said, "Your automobile is in the wrong. We will search it." As soon as I opened the door, the aforementioned traffic policeman placed a gun against my chest and said, "Don't get excited." At that moment, three more armed people appeared while the traffic policemen, with two of the others, sat next to the Ambassador, one of them sat next to me. They put a gun to my chest and one to the chest of the Ambassador and said, "To the Kabul Hotel at the Habori intersection at full speed and don't stop." On the way, they said, "We have taken the Ambassador hostage." As soon as we reached the door of the hotel, all four people and the Ambassador got out of the automobile and, again, they said to me, "We have taken the Ambassador hostage. Go and tell the Embassy." The Ambassador told them, "Take your weapons away from my side. I shall accompany you wherever you want to go." After leaving the automobile, they said, "Open (sic) the door of the automobile." The driver then lowered the flag and went to the Embassy and

LIMITED OFFICIAL USE

English Translation of DRA Report (Continued)

reported the matter to the Embassy official. Through Ghafari, the interpreter, he contacted the Chief of Police regarding the assassination of the Ambassador.